



نفت، دلار و یورو

بلکه قدرت خرید حاصل از آن که بیشتر از هر مقوله‌ای برای کشورهای صادرکننده نفت اهمیت دارد.

قدرت خرید درآمدهای دلاری نفتی در بازارهای جهانی تحت تأثیر دو عامل مهم قرار دارد:

۱- ارزش دلار در مقابل ارزهای مهم دیگر: خصوصاً زمانی که کشورهای صادرکننده نفت از مناطق غیردلاری اقدام به واردات می‌کنند.

۲- تورم وارداتی: خصوصاً از کشورهایی که تورم بالایی دارند.

بالاخره قیمت‌های نفت خام پس از فراز و نشیب‌های فراوان به عدد سه رقمی خود رسید و رکورد جدیدی را در تاریخ قیمت‌های نفت خام بر جای گذاشت. اگرچه این قیمت‌ها آنچنان پایدار نبود اما توجه محافل و رسانه‌های جهان را به شدت به خود جلب کرد. در نگاه نخست به نظر می‌رسد افزایش قیمت‌ها تا این سطح خبر بسیار خوشحال‌کننده‌ای برای کشورهای صادرکننده نفت خواهد بود و خزانه این کشورها را مملو از دلارهای نفتی خواهد کرد. اما باید به این نکته توجه داشت که صرف درآمدهای بالای نفتی حاصل از این قیمت‌ها خرسندکننده نیست

همکاری خلیج فارس افزایش خواهد یافت و این امر به تحقق ثبات در بازار جهانی نفت کمک خواهد نمود.»
با توجه به اهمیت موضوع و سابقه تاریخی آن مجدداً بحث ارتباط میان یورو، قیمت نفت خام و دلار را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دلار و نفت

پس از حاکم شدن نظام ارزی "برتن-وودز" بر جهان در سال ۱۹۴۴ و خصوصاً پس از سقوط نظام مذکور و با شناسور شدن دلار که در سال ۱۹۷۱ اتفاق افتاد، همواره وجود دلار بعنوان پول پول‌ها و بعنوان ابزار جهانی برای قیمت‌گذاری و معاملات یکی از مهمترین اهرم‌های تسلط اقتصادی آمریکا بر جهان بوده است.

آمریکایی‌ها در کنفرانس برتن-وودز با استفاده از موقعیت برتر اقتصادی خود و ضعف اقتصادی اروپا ناشی از جنگ دوم جهانی، موفق شدند که دلار را به شاخص ارزش سایر پول‌های جهان تبدیل کنند و در سال ۱۹۷۱ با عدول از حفظ برابری میان دلار و طلا و در واقع با شناسور کردن دلار، تفوق خود بر اقتصاد جهان را کامل‌تر کردند. قیمت‌گذاری نفت بر مبنای دلار موجب شد که بدنبال وقوع شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ همگام با چند برابر شدن قیمت‌های جهانی نفت، تقاضای جهانی برای دلار نیز چند برابر افزایش یافت و این در شرایطی بود که دلار در سرآشینی سقوط قرار گرفته و به پول داغ تبدیل شده بود و از این طریق دلارهای داغ به دلارهای نفتی تبدیل شدند و از آنجا که بدلیل تضعیف دلار در مقابل سایر ارزهای معتبر جهانی قدرت خرید کشورهای اوپک در آمریکا بیشتر از سایر کشورهای صنعتی بود و همچنین با توجه به اینکه اکثر این کشورها تحت سلطه و نفوذ آمریکا قرار داشتند، افزایش قیمت نفت در جریان شوک اول نفتی کمک کرد که بخش قابل توجهی از دلارهای سرگردان به آمریکا بازگشت شود.

از این پس آمریکایی‌ها آموخته‌اند که در مقاطع مختلف با تضعیف دلار، ارزش بدهی‌های خارجی خود را کاهش داده، تورم داخلی خود را به جهان تحمیل نموده و نسبت به رقبای خود تفوق تجاری بدست آورند.

یورو و نفت

همانگونه که اشاره شد بدون شک تمام کشورهای جهان در دوران پس از حاکم شدن نظام "برتون-وودز" از تسلط دلار بر اقتصاد جهانی به گونه‌ای در فشار و در رنج بوده‌اند در این میان طبعاً جامعه اروپا و ژاپن با بیشترین مشکل مواجه بوده‌اند چرا که این کشورها، توسعه یافته و دارای اقتصادهایی قوی بوده و از بسیاری جهات و خصوصاً از نظر فن‌آوری چیزی از ایالات متحده آمریکا کم نداشته‌اند، اما ابعاد اقتصاد آمریکا در کنار تسلط دلار از جمله مهمترین عواملی بوده است که ایشان را به عنوان قدرتهای اقتصادی دسته دوم نگهداشته است.
بنابراین کشورهای اروپائی از انگیزه کافی برای مقابله با سلطه جهانی

آمارها نشان می‌دهد که در حالی که روند کاهش ارزش دلار در مقابل یورو در طی چند سال گذشته تداوم داشته است تنها در ۱۲ ماه گذشته ارزش دلار حدود ۱۵ درصد نسبت به یورو کاهش پیدا کرده است.
کاهش ارزش دلار در برابر ارزهای معتبر به ویژه یورو باعث شده تا قدرت خرید درآمدهای دلاری نفت به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. بولتن سالانه اوپک قیمت واقعی (قدرت خرید) سبد اوپک را بر مبنای سال پایه ۱۹۷۳ محاسبه نموده است که بر اساس آن ملاحظه می‌شود که قیمت‌های اسمی ۶۱/۰۸ دلار در هر بشکه برای سبد اوپک در سال ۲۰۰۶ در واقع تنها ۱۲/۲۲ دلار در هر بشکه ارزش داشته‌اند و هنوز به قیمت‌های اسمی ۲۸ تا ۳۲ دلار و حتی قیمت‌های واقعی سبد نفتی اوپک در دهه ۸۰ نرسیده‌اند. به عبارت دیگر گرچه به لحاظ ظاهری قیمت هر بشکه نفت اوپک در سال ۲۰۰۶، پیش از ۶۱ دلار در هر بشکه بوده است اما در واقع با این رقم سبدهای از کالاها و خدمات قابل خریداری بوده است که در سال ۱۹۷۲ می‌توانستیم همین کالاها و خدمات را با حدود ۱۲ دلار خریداری نماییم.

مسئله تأثیر افت ارزش دلار در برابر دیگر ارزهای معتبر به ویژه یورو موضوعی نیست که از چشم کشورهای صادرکننده نفت دور مانده باشد. در سومین اجلاس سران اوپک که در ماه نوامبر سال میلادی گذشته برگزار شد ایران و ونزوئلا با ابراز نگرانی از تأثیر منفی افت ارزش دلار بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت، خواهان بررسی کاهش ارزش دلار و معرفی سبد ارزی جدید برای قیمت‌گذاری نفت شدند که متأسفانه آنچنان مورد توجه عربستان قرار نگرفت.

اما به هر حال بسیاری از کشورها در حال حاضر تلاش می‌کنند که نفت خام خود را به ارزهای معتبرتر و کم نوسانتری همچون یورو و ین به فروش رسانند و لذا بحث رابطه بین قیمت نفت، یورو و دلار که دارای سابقه تاریخی نیز می‌باشد بار دیگر در محافل اقتصادی و نفتی مطرح گردیده است.

سال‌ها پیش دولت عراق در زمانی که تحت کنترل رژیم صدام بود در شرایطی که ظرفیت مازاد اوپک کمتر از میزان صادرات این کشور بود در واقع برای تحت فشار قرار دادن بازار آسیب پذیر نفت، اعلام کرد که تنها حاضر است نفت خود را در مقابل دریافت واحد پول اروپائی (یورو) به فروش برساند و این مسئله باعث شد که مسئله ارتباط "یورو" و نفت بار دیگر موضوع بحث محافل اقتصادی قرار گیرد. البته چندی پیش از آن نیز "ژاک سانتیه" عضو پارلمان اروپا و رئیس پیشین کمیسیون اروپا و کسی که روزنامه الشرق الاوسط وی را پدر معنوی و بنیانگذار یورو نامیده است در جریان نشست مشترک سران اقتصادی اروپا و شورای همکاری خلیج فارس، به تولیدکنندگان نفت خلیج فارس توصیه کرده بود که در معاملات خود با اروپا بجای دلار از یورو استفاده کنند. همچنین وی اظهار داشته بود که: «امن مطمئن هستم که اگر موضوع داد و ستد نفت با یورو را بررسی کنیم، جو اعتماد و مشارکت میان اتحادیه اروپا و شورای

دلار برخوردارند و این مقابله از دیرباز صرفاً یا تلویحاً در استراتژی‌های ملی این کشورها گنجانده شده است. ادغام اقتصادی کشورهای اروپایی که نقطه عطف آن در وحدت پولی اروپا و تحقق "یورو" تبلور یافت مسأله برتری ابعاد را تا حدودی حل نموده است، چنانچه آمار و ارقام مربوط به سرزمین یورو را با آمار و ارقام مربوط به اقتصاد آمریکا مقایسه نمایم ملاحظه خواهیم نمود که سرزمین اولیه یورو (با ۱۱ کشور) از نظر شاخص‌های مختلفی مانند جمعیت، تولید ناخالص داخلی، سهم در تجارت جهانی، بهره‌وری و ... توان بیشتری را برای رقابت با آمریکا به دست آورده است و این در صورتی است که هیچ‌یک از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا بطور منفرد و مجزا از چنین توانی برخوردار نبودند، اگر سرزمین نهایی یورو را مورد توجه قرار دهیم ابعاد و اهمیت موضوع از این نیز فراتر خواهد رفت بنابراین چنانچه دوران سلطه دلار در اقتصاد جهانی پایان یافته و "یورو" بتواند تدریجاً نقش و جایگاه مناسب را بدست آورد، دوران سیطره آمریکا بر اقتصاد جهانی نیز رو به پایان خواهد رفت. گسترش سرزمین یورو به وضعیت نهایی خود و پیوستن سایر اعضا جامعه اروپا به اتحادیه اقتصادی و پولی نیز به نوبه خود تا حد زیادی بستگی به میزان توفیق یورو خواهد داشت.

اما آنچه که ذکر شد تنها بیان آمل و آرزوهای جامعه اروپاست که تحقق آن نیازمند فرصت طولانی و مستلزم توان این جامعه در شناخت به موقع و غلبه بر مشکلات و فرصت‌طلبی و استفاده به هنگام از فرصت‌های تاریخی است و البته به توان آمریکایی‌ها بر حفظ برتری اقتصادی و سلطه سیاسی خود نیز بستگی دارد.

"یورو" تنها زمانی خواهد توانست به سلطه دلار پایان دهد که در مبنای قیمت‌گذاری کالاها حضور و نقش پیدا کند و این خود مستلزم تقویت مستمر یورو و تضعیف مستمر دلار است و در این میان عنصر نفت می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. نفت کالایی است که بطور مستمر، همه روزه و در احجام قابل توجه مبادله می‌شود و چنانچه فی‌المثل کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک نفت خود را در مقابل "یورو" معامله کنند و ذخائر ارزی خود را بصورت "یورو" نگهداری نمایند طبعاً تاثیر قابل توجهی بر ایجاد تقاضا برای "یورو" و کاهش تقاضا برای دلار خواهند داشت و موجب تقویت یورو و تضعیف دلار خواهند شد.

صادرکنندگان نفت و اتحادیه اروپا

همانطور که اشاره شد تصمیم کشورهای صادرکننده نفت در بکارگیری یورو در مبادلات نفتی، می‌تواند نقش به‌سزائی را در مسیر تقویت یورو و تضعیف دلار و رساندن جامعه اروپا به اهداف غائی خود، ایفا نماید اما در این میان هم اروپایی‌ها و سایر کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای صادرکننده نفت با یک پارادوکس اساسی روبرو هستند. به این صورت که: هرچند کشورهای صادرکننده نفت (مانند سایر کشورهای جهان) در بلندمدت از اضمحلال سیطره دلار

بسر اقتصاد جهانی منتفع می‌گردند اما در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و تا زمانی که نفت خام بر مبنای دلار قیمت‌گذاری می‌شود تضعیف دلار به زیان اغلب کشورها تمام خواهد شد و همان‌گونه که در بخش اول توضیح داده شد تضعیف دلار در مقابل سایر ارزها و خصوصاً در مقابل ین و یورو قدرت خرید کشورهای صادرکننده نفت را کاهش خواهد داد. ممکن است قدرت‌های اقتصادی و نظام‌های دارای اقتصادهای باثبات و قوی بتوانند بر معضلات کوتاه و میان‌مدت غلبه یافته و منافع بلندمدت را هدف‌گیری نمایند اما اعضاء اوپک توان چنین چیزی را ندارند. به عبارت دیگر اگرچه حمایت از یورو در بلندمدت به نفع کشورهای صادرکننده نفت است و این کشورها نیز از ناحیه سیطره دلار (خصوصاً در دوران‌هایی که ارزش دلار در مسیر نزولی بوده است) آسیب‌های فراوانی دیده‌اند. اما در کوتاه‌مدت مسأله متفاوت است و تضعیف دلار به معنای تضعیف قدرت خرید این کشورها خواهد بود. ایجاد تقاضای بیش از حد برای یورو و کاهش تقاضا برای دلار به تضعیف بیشتر دلار و به عبارتی به تضعیف بیشتر قدرت خرید هر بشکه نفت‌خام اوپک می‌انجامد. بنابراین اگر اتحادیه اقتصادی و پولی اروپا انتظار دارد که کشورهای صادرکننده نفت (عضو یا غیرعضو اوپک) در جهت حمایت بلندمدت از "یورو"، این ارز را در معاملات خود بکار گیرند باید آمادگی داشته باشند که به نوعی زیان صادرکنندگان نفت را جبران کرده و سوسید لازم را به این کشورها پرداخت نماید. البته همانطور که قبلاً نیز اشاره شد هر زمان که یورو در مبنای قیمت‌گذاری کالاها و از جمله نفت‌خام نقش پیدا کند پارادوکس مزبور خصوصاً برای اوپکی‌ها برطرف گردیده و نیازی به چنین سوسیدی وجود نخواهد داشت.

موضوعات فوق‌الذکر می‌تواند مبنای یک گفتگوی جدی میان سازمان اوپک و اتحادیه اروپا قرار گیرد که البته کشورهای صادرکننده نفت غیرعضو اوپک نیز می‌توانند در این مذاکرات اوپک را همراهی و یاری نمایند.

البته کشورهای صادرکننده نفت باید توجه داشته باشند که در بلندمدت نیز متکی کردن مبنای قیمت‌گذاری نفت‌خام به "یورو" همان قدر غلط خواهد بود که تا امروز متکی بودن آن به دلار مشکل‌ساز و غلط بوده است. قیمت‌گذاری نفت‌خام باید بر مبنای سبدهی از ارزهای عمده جهانی باشد که از ثبات بیشتری نسبت به هر ارز خاص برخوردار بوده و از نوسانات انفرادی هر یک از این ارزها مصون باشد.

اما در هر حال آنچه که مسلم است این است که سازمان اوپک در تصمیم‌گیری‌های خود باید همواره قیمت‌های حقیقی و نه قیمت‌های اسمی را مورد توجه و هدف قرار دهد. همچنین لازم است که دبیرخانه این سازمان برای مقابله با بعضی تبلیغات جهانی در مقابل اوپک و قیمت‌های (ظاهراً) بالای نفت به صورت سازمان یافته و منظم، قیمت‌های حقیقی را بر مبنای سال پایه‌های مختلف اعلام نماید و در هر جلسه وزراء اوپک نیز بر این مسأله تأکید شود.

***مدیر مسئول